

اثر آزاد سازی تجاری بر عملکرد بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه (مروری بر ادبیات موضوع)

شیرین مصری نژاد و سعید ابراهیمی*

|| : || :

چکیده

مطالعات تجربی که به بررسی ارتباط بین اصلاحات تجاری و عملکرد صنایع می‌پردازند، عواملی نظیر رشد صادرات، رشد بهره‌وری و تغییرات در هزینه‌های نهایی و قیمت‌ها را به عنوان معیار اندازه‌گیری عملکرد مورد استفاده قرار می‌دهند. هدف از این مطالعه بررسی نتایج مطالعات به دست آمده در کشورهای مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر است. روش تحقیق مورد استفاده از نوع توصیفی و کتابخانه‌ای است. شواهد موجود در مورد کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری برای رشد سریع بهره‌وری کل عوامل تولید تنها یک شرط لازم است و کافی نیست. این گونه کشورها در مورد بررسی اثر آزادسازی تجاری باید مواردی از قبیل کمبود سرمایه‌ی انسانی و زیربنای فیزیکی را مدنظر قرار دهند. همچنین، مطالعات موجود نشان می‌دهند که آزادسازی سریع‌تر و شدیدتر، منجر به رشد صادرات و ستانده‌ی بزرگ‌تر صنایع می‌گردد.

طبقه بندی *JEL*: F41

واژه‌های کلیدی: آزادسازی تجاری، عملکرد صنایع، بهره‌وری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

آزادسازی تجاری از طریق ایجاد رقابت خارجی می‌تواند منجر به پیشرفت صادرات و بهبود بهره‌وری گردد. همچنین، از طریق آزادسازی تجاری می‌توان تکنولوژی را بهبود بخشید و به صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس دست یافت. در اکثر مطالعات بحث می‌شود که تنظیم قیمت‌های داخلی و خارجی می‌تواند کارایی صنعتی را به وسیله‌ی افزایش دادن میزان واردات، کاهش منابع بیکار، از بین بردن سودهای انحصارگران و در نهایت، تخصیص بهینه‌ی منابع، افزایش دهد.

این مقاله ادبیات موجود را برای به دست آوردن برخی از نتایج کلی آزمون می‌کند. اسناد و شواهد موجود در مورد کشورهای توسعه یافته را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت به نتیجه گیری و اقتباس نکات مهم به دست آمده از مطالعات می‌پردازد. در تحلیل‌های تجربی به منظور دستیابی به اثرات تجارت، سه نظریه‌ی عمده به کار گرفته می‌شود.

الف- معیارهای کارایی ایستا برای کشورهای فردی مانند نرخ حمایت مؤثر و هزینه‌ی منبع داخلی

ب- دو نوع متفاوت از مطالعات بین کشوری که یک دسته از آنها به مقایسه‌ی عملکرد قبل و بعد از آزادسازی و اصلاحات و عدم اصلاحات می‌پردازد و دسته‌ی دیگر بین سیاست‌های مختلف و عملکرد ارتباط برقرار می‌کند

ج- تحلیل‌های مبتنی بر یک کشور واحد که اساساً بر نظریه‌ی عملی سازی و تحقق ساختاری تأکید دارند.

۲- معیارهای کارایی ایستا

بررسی ادبیات موجود در خصوص نرخ حمایت مؤثر و هزینه‌ی منابع داخلی، نشان می‌دهد که نرخ حمایت مؤثر (ERP)^۱ بر سطوح متنوع حمایت و کارایی کاربرد منابع تأکید دارد، در حالی که تحلیل هزینه‌ی منابع داخلی (DRC)^۲ کارایی صنعتی را در قیمت‌های سایه‌ای تخمین زده شده اندازه گیری نموده، مزیت هزینه‌های رقابتی را نمایان می‌سازد.

^۱ Effective Rate of Protection

^۲ Domestic Resource Cost

شواهد بررسی‌های ایستا نشان می‌دهد که در اثر حمایت، می‌توان از تولیدکنندگان داخلی با هزینه‌ی بالا در مقابل صنایع وارداتی قابل رقابت با آنها محافظت نمود و یک حمایت مؤثر و غیر قابل پیش بینی را از صنایع صادرکننده انجام داد (ویس، ۱۹۹۲).^۳ باید توجه داشت که در اثر حمایت نادرستی که از بخش صنایع به عمل می‌آید، بخش کشاورزی متحمل هزینه می‌شود و باید تاوان چنین حمایت مؤثر منفی را بپردازد. بالاسا (۱۹۷۱)^۴ برای صنایع هفت کشور با سیاست جانشینینی واردات، پک (۱۹۹۸)^۵ برای صنایع آفریقا و محققان دیگری نظیر دسای (۱۹۷۰)^۶ برای هند، نتیجه‌ای مشابه با مطالعه‌ی ویس را به دست آورده و عنوان نموده‌اند که در اثر حمایت از یک بخش ممکن است هزینه‌هایی به بخش‌های دیگر تحمیل گردد و انگیزه‌ی سود برای صنایع رقابت پذیر واردات مهیا گردد.

۳- مطالعات بین کشوری

۳-۱- مقایسه‌ی عملکرد قبل و بعد از آزادسازی

میکائیلی و دیگران (۱۹۹۱)^۷ نظریه‌ی قبل و بعد از آزادسازی را برای ۱۷ کشور (شامل آرژانتین، برزیل، کره، پرو و ...) به کار بردند. این محققان دریافتند که یک ارتباط قوی میان آزادسازی تجاری و رشد سریع صادرات وجود دارد. در بیشتر کشورهای مورد مطالعه‌ی فوق، در اولین سال بعد از آزادسازی تجاری، رشد صادرات صنایع کاهش یافته و پس از آن به طور چشمگیری (بیش از نرخ آن قبل از آزادسازی تجاری) افزایش یافته است. همچنین، نرخ رشد متوسط ستانده‌ی صنایع برای سه سال اول بعد از آزادسازی تجاری ۷/۳ درصد در مقایسه‌ی با ۶/۷ درصد قبل از آزادسازی و ۵/۳ درصد در سال اول بعد از آزادسازی تجاری برآورد گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

³ Weiss

⁴ Balassa

⁵ Pack

⁶ Desai

⁷ Michaely and et.al

۲-۳- مقایسه‌ی عملکرد در صورت اصلاحات یا عدم اصلاحات

توماس و نش (۱۹۹۱)^۸ با به کارگیری تحلیل چند کشوری دریافتند که در کشورهای اصلاح‌کننده‌ی سیاست‌های تجاری در مقایسه با کشورهای که به اصلاح سیاست‌ها نمی‌پردازند، می‌توان افزایشی را در صادرات صنایع مشاهده نمود. آنها دریافتند که عواملی نظیر ثبات اقتصاد کلان حول یک نرخ ارز واقعی سازگار با توسعه‌ی بلندمدت صادرات و ستانده و دسترسی به نهاده‌ها با قیمت جهانی (که معاف از مالیات برای صادرات هستند) در تعیین توسعه و بهبود صادرات نقش عمده‌ای دارند، اگرچه مقایسه‌ی ساده‌ی این عوامل و در نظر گرفتن آنها بنا به دلایل معنی‌دار نیست، از جمله این دلایل، اینکه اولاً، فرآیند توسعه‌ی قبل از آزادسازی می‌تواند اثراتی را بر تجارت پس از آزادسازی داشته باشد. ثانیاً، عوامل دیگر اصلاحات سیاست تجاری نیز می‌توانند عملکرد را در کشورهای مختلف به طور متفاوت تحت تأثیر قرار دهند.

۳-۳- ارتباط عملکرد با سیاست‌های مختلف

سه نوع از مطالعات وجود دارند که ارتباط بین سیاست تجاری و عملکرد را برقرار می‌سازند:

۱- رگرسیون‌هایی که ائتلاف بین کشورها (با سیاست‌های تجاری مختلف) را در دوره‌های مختلف بیان می‌کنند

۲- رگرسیون‌هایی در مورد تجارب کشورهای فردی

۳- رگرسیون‌های مبتنی بر داده‌ها در سطح کارخانه برای مجموعه‌ای از کشورهای منتخب

نیشیمیزو و پیچ (۱۹۹۱)^۹ به تحلیل سیاست‌های تجاری و رشد بهره‌وری از طریق یکی کردن متغیرهای مجازی (محدودیت‌های کمی واردات و تخصیص غیربازاری منابع) با رشد تقاضای داخلی کل، تقاضای واردات کمتر (نفوذ واردات) در چارچوب رگرسیون چند جانبه می‌پردازند. نتایج بدست آمده توسط این محققان عبارتند از:

^۸ Thomas and Nash

^۹ Nishimizu and Page

۱- رشد صادرات در صنایع به طور مثبتی با رشد بهره‌وری کامل عوامل همراه است، در حالی که در رژیم‌های جان‌شینی واردات که محدودیت‌های کمی را به کار می‌برند، چنین نتیجه‌ای قابل حصول نیست.

۲- صنایعی که مورد حمایت قرار می‌گیرند، در مقایسه با صنایعی که در یک محیط تجاری باز قرار دارند، با مشکلاتی در جهت تعدیل در مقابل تکانه‌های خارجی مواجه هستند.

۳- اهداف و دستاوردهای پویا در یک محیط سیاسی بازتر یا مبتنی بر بازار می‌توانند با عملکرد بالاتر بهره‌وری همراه گردند.

به نظر می‌رسد که مطالعه‌ی نیشیمیزو و پیچ حتی نسبت به گزینه‌های کم اهمیت در متغیرهای سیاسی حساس باشد و اگر در چنین مطالعاتی، مخصوصاً در تعریف رژیم‌های سیاسی، هنگامی که عکس‌العمل‌ها و ارتباطات متقابل میان سیاست‌ها و اثراتشان بر روی رشد بررسی می‌گردد، دقت لازم صورت نگیرد، نتایج می‌تواند گمراه کننده باشد.

نیشیمیزو و رابینسون (۱۹۸۴)^{۱۰} نشان دادند که یک ارتباط مثبتی میان صادرات بالاتر و رشد بهره‌وری کل عوامل (*TFP*)^{۱۱} در اثر انگیزه‌های کاهش دهنده‌ی هزینه‌ی رقابتی وجود دارد. در مطالعه‌ی این محققان یک رگرسیون چندگانه برای سه کشور ژاپن، کره جنوبی و یوگوسلاوی تصریح گردید. نتایج نشان داد که بهره‌وری کل عوامل در کره جنوبی نسبت به ترکیه و یوگوسلاوی سریع‌تر رشد نموده و کره جنوبی به طور انتخابی صنایع نوپای خود را گسترش داده است. این محققان بیان نمودند که با دنبال کردن یک استراتژی برون‌نگر می‌توان شاهد عملکرد بالاتری بود.

۴- عملی سازی و تحقق ساختاری: کشورهای فردی

در این قسمت به نقش تجارت خارجی در تعیین رقابت ناقص و کارایی صنعتی پرداخته می‌شود. مهمترین بحث در این مقوله آنست که متغیرهای تجارت بین الملل می‌توانند اثراتی را بر بهره‌وری، سودآوری و صادرات از طریق معرفی و

¹⁰ Nishimizu and Robinson

¹¹ Total Factor Productivity (TFP)

ایجاد تغییرات در مشخصات ساختاری بازارهای داخلی داشته باشند. مطالعات تک کشوری به بررسی این فرضیه در یک کشور و طی زمان می‌پردازند.

۴-۱- رشد بهره‌وری

مطالعه‌ی اثر اصلاحات تجاری بر رشد بهره‌وری از جمله مقولاتی است که اخیراً مورد توجه فراوان قرار گرفته است. در این نوع مطالعات، بیشترین تمرکز بر ارتباط بین تجارت و رشد بهره‌وری پویا در چارچوب رگرسیون چند جانبه است. این نگرش به محققان این امکان را می‌دهد که به توصیف رشد بهره‌وری در میان بخش‌های صنعتی که ناشی از تغییر در متغیرهای سیاست تجاری در کشور واحد است، بپردازند.

انتظار عموم افراد بر آنست که بخش‌هایی که از یک نرخ حمایت مؤثر بالایی در آزادسازی برخوردار هستند، کارا تر عمل نمایند. بر اساس بحث بالا، همان طور که در جدول (۱) نشان داده شده است، این فرضیه که «باز بودن تجارت اثر مثبتی را بر رشد بهره‌وری کل عوامل در کارخانه‌ها دارد» آزمون شده است و در کشورهای نظیر کره جنوبی (۲۰۰۰)،^{۱۲} مکزیک (۱۹۹۸)،^{۱۳} شیلی (۱۹۹۶)،^{۱۴} سریلانکا (۱۹۹۴)،^{۱۵} تایلند (۱۹۹۴)،^{۱۶} اندونزی (۱۹۹۷)^{۱۷} و هند (۱۹۹۷)^{۱۸} مورد تأیید قرار گرفته است. حمایت، موجب جذب تعداد زیادی از تولیدکنندگان با هزینه‌ی بالا و منجر به تفکیک بازار خانگی می‌گردد.

در صنایع ترکیه (۱۹۸۲)^{۱۹} و در صنایع هند (۱۹۸۶)^{۲۰} اثر منفی سیاست‌های جانشینی واردات بر بهره‌وری کل عوامل مورد آزمون و تأیید قرار گرفت. به دلیل محدودیت‌های ارز خارجی و عدم جانشینی میان واردات و نهاده‌های سرمایه‌ای و واسطه‌ای داخلی، اتخاذ سیاست جانشینی واردات ممکن است موجب بیکار ماندن سطح ظرفیت تولید شود.

¹² Kim

¹³ Iscan

¹⁴ Tybout

¹⁵ Weiss and Jayanthakumaran

¹⁶ Urata and Yokota

¹⁷ Sjolholm

¹⁸ Krishna and Mitra

¹⁹ Krueger and Tuncer

²⁰ Golder

با مطالعه‌ی اقتصاد شیلی و صنایع مصر (۱۹۸۶)^{۲۱} محققان دریافته‌اند که این عامل می‌تواند دلیل مهمی برای رشد بهره‌وری کل عوامل در بازگشایی تجارت باشد.

فرضیه‌ای که توسعه‌ی ستانده منجر به سطح بالاتر بهره‌وری می‌گردد، به عنوان قانون وردون شناخته شده است. بحث اصلی این فرضیه آن است که توسعه‌ی صادرات منجر به ایجاد اقتصاد مقیاس، محیط و شرایط مناسب برای ابداع گردیده و در نهایت باعث رشد و بهره‌وری می‌شود (هاریسون، ۱۹۹۴)^{۲۲}.

به طور کلی، پیش بینی می‌شود که آزادسازی، کارایی را افزایش خواهد داد و امکان تولید در مقیاس وسیع‌تر فراهم می‌گردد. این فرضیه برای صنایع هند، مصر، مکزیک و سری‌لانکا تأیید شده است.

به نظر می‌رسد که صنایعی که از درجه‌ی تمرکز بالایی برخوردار هستند، برخی مزایا را به دلیل داشتن اندازه‌ی مناسب و بازار امن برای ابداع، در اختیار داشته باشند. اما این مطلب بدان معنا نیست که یک صنعت با چنین ویژگی، از بهره‌وری بالاتری برخوردار است. زیرا در شرایطی که رقابت کمتر است، انگیزه‌ی کمتری برای کاهش هزینه‌ها و بهبود تکنولوژی وجود دارد و بنابراین ارتباط میان رشد بهره‌وری و درجه‌ی تمرکز مبهم است. گلدن (۱۹۸۶) برای صنایع هند و ویس (۱۹۹۲) برای صنایع مکزیک هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری را برای این دو متغیر به دست نیاوردند.

همبستگی میان صادرات و بهره‌وری نیز مبهم است. ممکن است عده‌ای بر این عقیده باشند که رشد صادرات، رشد بهره‌وری بالاتری را به همراه دارد. برای مثال، ارتباط و تماس بیشتر با رقبای خارجی در اثر رشد صادرات، می‌تواند منجر به تغییرات سریع تکنولوژی و بهبود دانش مدیریت و کاهش ناکارایی شود. در این صورت، آزادسازی تجاری یک پیش شرط برای بهبود در بهره‌وری است و رشد بالای بهره‌وری نیز برای رشد بالاتر صادرات لازم است.

²¹ Handoussa and et.al

²² Harrison

حداد و همکارانش (۱۹۹۶)^{۲۳} در مطالعه‌ی خود برای مراکش این فرضیه را که رشد صادرات، علت رشد بهره‌وری است، تأیید نمودند، در حالی که علیت در جهت عکس رد شده است.

جدول ۱: خلاصه‌ی برخی از آزمون‌های تجربی اصلاح تجاری و بهره‌وری کل عوامل

نویسنده	کشور	مهمترین نتایج به دست آمده از آزمون تجربی انجام شده
نیشمیزو و رابینسون (۱۹۸۴)	ژاپن، کره، ترکیه و یوگوسلاوی	۱- عدم تأیید قانون وردون؛ ۲- تأیید فرضیه‌ای که توسعه‌ی صادرات از طریق انگیزه‌ی رقابت منجر به رشد <i>TFP</i> بالاتر می‌شود؛ ۳- تأیید فرضیه‌ای که تجارت خارجی از طریق کم کردن محدودیت‌های ارز خارجی رشد <i>TFP</i> را افزایش می‌دهد.
کیم (۲۰۰۰)	کره	در دوره‌ی ۱۹۸۵-۸۸، اصلاح تجاری منجر به یک رشد ۲ درصدی در <i>TFP</i> شده است.
دنگسوک (۱۹۹۲)	کره	۱- صنایعی که به طور وسیع حمایت شده‌اند، ناکارتر از صنایعی بوده‌اند که کمتر حمایت می‌شدند؛ ۲- اصلاح تجاری منجر به افزایش کارایی کارخانه‌ها می‌شود.
یوران‌ا و تکتا (۱۹۹۴)	تایلند	در اثر اصلاح تجاری، <i>TFP</i> افزایش می‌یابد.
جنکینس (۱۹۹۵)	بولیوی	۱- تأیید قانون وردون؛ ۲- هیچ مدرکی وجود نداشته که آزادسازی تجاری منجر به بهبود عملکرد بهره‌وری شده است.
هاریسون (۱۹۹۴)	—	۱- ارتباط مثبت میان سیاست‌های تجارت بازر و رشد بهره‌وری؛ ۲- رشد بهره‌وری بعد از ایجاد اصلاحات سه برابر شده است؛ ۳- رشد بهره‌وری در بخش‌های کمتر حمایت شده چهار برابر بیشتر بوده است.
ایسکان (۱۹۹۸)	مکزیک	۱- وجود ارتباط مثبت میان کاهش نرخ حمایت و سطح بهره‌وری بخشی؛ ۲- افزایش سهم صادرات از ستانده‌ی کل، سطح بهره‌وری را تا ۵٪ افزایش داده است.
ویس (۱۹۹۲)	مکزیک	۱- تأیید قانون وردون؛ ۲- کاهش میزان حمایت یک اثر منفی و معنی دار بر رشد بهره‌وری نیروی کار و یک اثر منفی و نه معنی دار بر رشد <i>TFP</i> دارد.
کروگر و تونسیر (۱۹۸۲)	ترکیه	کاهش <i>TFP</i> به دلیل آنکه سیاست‌های جانشینی واردات، منابع را به طور فزاینده به سمت صنایع با هزینه‌ی بالا و ناکارآ سوق می‌دهند.
هاندوسا و همکاران (۱۹۸۶)	مصر	۱- تأیید قانون وردون؛ ۲- تأیید فرضیه‌ای که تجارت خارجی رشد <i>TFP</i> بخش دولتی را افزایش می‌دهد.
ویس و جایانتا کوماران (۱۹۹۴)	سری لانکا	۱- تأیید قانون وردون؛ ۲- تغییر در حمایت اسمی، یک اثر منفی و معنی دار بر بهره‌وری نیروی کار و رشد <i>TFP</i> دارد.
شارما و همکاران (۲۰۰۰)	نیپال	همبستگی میان <i>TFP</i> و هر دو متغیر حمایتی (حمایت غیر اصلاحی ^{۲۴} و محدودیت‌های مقداری) از لحاظ آماری بی معنی است.

ماخذ: مطالعات انجام شده توسط محققان

مطالعات انجام شده برای صنایع اندونزی، صنایع مکزیک، ژاپن، ترکیه، یوگوسلاوی و کره جنوبی نشان می‌دهد که هرچه سهم صادرات از ستانده بیشتر باشد، رشد بهره‌وری بالاتری به وقوع خواهد پیوست.

²³ Haddad and et al.

²⁴ Non-Reformers Protection

شارما و همکارانش (۲۰۰۰)^{۲۵} در مطالعه‌ای که در مورد صنایع نپال انجام دادند، دریافتند که اگرچه اصلاح سیاست نرخ ارز و تجارت برای رشد بهره‌وری (در کشورهای با حداقل درجه‌ی توسعه یافتگی) شرط لازم است، اما کافی نیست و عوامل دیگری نظیر سیاست‌های سرمایه‌گذاری مناسب و سرمایه‌ی انسانی نیز باید لحاظ گردند. جنکینس (۱۹۹۵)^{۲۶} با مطالعه در مورد بولیوی نتیجه گرفت که آزادسازی تجاری نه شرط لازم و نه شرط کافی برای رشد سریع بهره‌وری است و تنها صنایع ریسندگی و بافندگی است که بهره‌وری را از طریق حذف تولیدکنندگان با هزینه‌ی بالا و کنارگذاشتن ظرفیت‌های بدون استفاده، افزایش داده‌اند. طی دوره‌ی مورد مطالعه، بولیوی شاهد کمبود سرمایه‌گذاری و نرخ بهره‌ی بالا بوده و افزایش بهره‌وری از طریق این عوامل بی‌معنی بوده است.

۴-۲- تغییر در حاشیه‌ی قیمت - هزینه

برخی از مطالعات تجربی موجود به بررسی اثر واردات، صادرات و میزان حمایت بر سود دهی بنگاه‌های داخلی موجود در یک اقتصاد باز متمرکز می‌شوند. به طور کلی، بحث می‌شود که میان نفوذ واردات و سود دهی بنگاه‌های داخلی یک ارتباط منفی وجود دارد و وجود رقبای داخلی، قدرت بنگاه‌های داخلی را در بازار داخلی کم می‌کند. کاترک (۱۹۸۰)^{۲۷} برای هند، امجد (۱۹۷۷)^{۲۸} برای پاکستان، حداد و همکارانش (۱۹۹۶) برای مراکش و فروتن (۱۹۹۶)^{۲۹} برای ترکیه، مطالعاتی را انجام دادند و این فرضیه را که «زمانی که بنگاه‌های داخلی با درجه‌ی معنی داری از رقابت خارجی مواجه می‌شوند، توانایی آنها برای حفظ قیمت‌ها بالاتر از هزینه‌ی متوسط، کاهش می‌یابد» تأیید نمودند.

بنگ و ین (۱۹۷۷)^{۳۰} برای مالزی، ویس (۱۹۹۱) برای مکزیک و کریشنا و میترا (۱۹۹۷) برای هند این فرضیه را که «تعرفه‌ها، تولیدکنندگان داخلی را قادر می‌سازد که سود بالاتری به دست آورند» تأیید نمودند. همچنین، گردر (۱۹۹۶)^{۳۱}

²⁵ Sharma and et.al

²⁶ Jenkins

²⁷ Katrak

²⁸ Amjad

²⁹ Foroutan

³⁰ Beng and Yen

³¹ Grether

با مطالعه‌ای که در مورد مکزیک انجام داد، به این نتیجه رسید که بخش‌هایی که کمتر حمایت می‌شوند، از قدرت رقابت پذیری بالاتری برخوردار هستند. تعداد کمی از بنگاه‌های انحصاری حتی بعد از انجام اصلاحات، به طور همزمان به تولید کردن و وارد کردن می‌پردازند. بعد از انجام اصلاحات، وارد کنندگان از طریق فروش مقادیر کم با قیمت‌های بالا تقاضای بی‌کشش جاری را پاسخ می‌دهند. در این صورت می‌توان گفت که حاشیه‌های قیمت - هزینه‌ی (PCM)³² با سهم واردات، همبستگی مثبت دارد. دملو و یورتا³³ (۱۹۸۴) به تأیید فرضیه‌ی بالا در مورد صنایع شیلی پرداختند. همبستگی مثبت میان واردات و تمرکز قابل انتظار است، همچنین، انتظار می‌رود که رقابت واردات منجر به تحریک بنگاه‌های داخلی و ادغام آنها در یکدیگر شود. اگر واردات، جانشین نزدیکی برای تولیدات تولیدکنندگان داخلی باشد، درجه‌ی بالایی از تمرکز تدافعی تولیدکنندگان داخلی وجود خواهد داشت. در مقابل، گروهی از محققان بیان کرده‌اند که اگر تولیدکنندگان ناکارا بتوانند در قبال افزایش واردات، کارایی تولید و بهره‌وری خود را بهبود بخشند، شاید یک ارتباط منفی برقرار گردد. تحت چنین شرایطی، رقابت واردات منجر به کم رنگ شدن تبانی‌ها و توافقات میان بنگاه‌های داخلی می‌شود و بنابراین بنگاه‌ها به منظور اجتناب از دست دادن سهم بازار خود، قیمت‌ها را کاهش می‌دهند.



³² Price – Cost Margins

³³ Demelo and Urata

جدول ۲: خلاصه‌ی برخی از آزمون‌های تجربی اصلاح تجارت و حاشیه‌های قیمت- هزینه

نویسنده	کشور	مهمترین نتایج بدست آمده
بنگ وین (۱۹۷۷)	مالزی	۱- افزایش ۱٪ در <i>ERP</i> باعث افزایش <i>PCM</i> را به میزان ۰/۰۰۰۴ درصد می‌شود. ۲- افزایش ۱٪ در نسبت صادرات به ستانده، <i>PCM</i> را تا ۰/۰۰۴۹ درصد کاهش می‌دهد. ۳- افزایش ۱٪ در نسبت سرمایه به ستانده، <i>PCM</i> را تا ۰/۲۵ درصد افزایش می‌دهد.
کریستینو (۱۹۹۷)	اندونزی	همبستگی میان <i>PCM</i> و نفوذ واردات بی معنی بوده است.
امجد (۱۹۷۷)	پاکستان	۱٪ افزایش در رقابت واردات، <i>PCM</i> را به میزان ۰/۱۲ درصد کاهش می‌دهد.
کریشناومیترا (۱۹۹۸)	هند	همبستگی میان تعرفه و افزایش قیمت مثبت است (با ضریب همبستگی ۰/۴۹)
ویس و همکارانش (۱۹۹۴)	سری لانکا	۱٪ افزایش در حمایت اسمی، <i>PCM</i> را به میزان ۱/۱۶ درصد کاهش می‌دهد.
حداد و همکارانش (۱۹۹۶)	مراکش	۱٪ افزایش در نفوذ واردات، <i>PCM</i> را تا ۰/۲ درصد کاهش می‌دهد
ویس (۱۹۹۲)	مکزیک	۱٪ افزایش در نرخ اسمی حمایت، <i>PCM</i> را به میزان ۰/۰۵ درصد بعد از اصلاح افزایش می‌دهد.
گرادر (۱۹۹۶)	مکزیک	۱٪ افزایش در صدور مجوز واردات، <i>PCM</i> را تا ۰/۲۲۴ درصد افزایش می‌دهد.
فروتن (۱۹۹۶)	ترکیه	۱٪ افزایش در سهم واردات، <i>PCM</i> را برای بخش خصوصی تا ۰/۰۰۲ درصد کاهش می‌دهد درحالی که تغییر <i>PCM</i> برای بخش دولتی معنی دار نیست.

ماخذ: مطالعات انجام شده توسط محققان

ارتباط میان نرخ صادرات، تمرکز و حاشیه‌های قیمت- هزینه پیچیده‌تر است. در مطالعات تجربی دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول بر این اساس است که اگر بازار صادرات شرایط سختی را برای تباری ایجاد کند، ارتباط معکوسی میان صادرات و حاشیه‌های قیمت- هزینه وجود خواهد داشت. بنگ وین (۱۹۷۷) برای صنایع مالزی، دملو و یوراتا برای صنایع شیلی، وجود ارتباط معکوس بر اساس بحث بالا را تأیید نمودند. سیدهارتان و داسگوپتانیز در مورد صنایع هند به این ارتباط معکوس دست یافتند، اما این محققان این فرضیه را آزمون کردند که صادرکنندگان هند نمی‌توانند در مقابل سودهای بالاتر از خود واکنش نشان دهند و کالا صادر کنند، در حالی که مجبور به اجرای برخی از تعهدات دولتی می‌باشند. حداد و همکارانش (۱۹۹۶) در مطالعه‌ی خود برای مراکش نشان دادند که ارتباط معکوسی میان سهم صادرات بخش‌های مبتنی بر صادرات و حاشیه‌های قیمت- هزینه وجود دارد.

اگر صادرات به طور نسبی با خطرپذیری بالایی همراه باشد و بازدهی صادرات در مقایسه با بازدهی تولید بازارهای داخلی، بیشتر باشد، امکان دارد که بنگاه‌ها بیشتر به صادرات بپردازد و در این صورت ارتباط مثبتی میان صادرات و حاشیه‌های قیمت- هزینه وجود دارد.

کاترک^{۳۴} (۱۹۸۰) به یک ارتباط مثبت و معنی داری بین صادرات و حاشیه‌های قیمت- هزینه دست یافت. کاترک بیان می‌کند که در هند تعدادی از بنگاه‌های صادر کننده، مجوز واردات را نیز دریافت نموده و بنابراین در مقایسه با بنگاه‌های غیر صادرکننده می‌توانند حاشیه‌ی سود بالاتری را ایجاد نمایند.

۴-۳- رشد صادرات

اخیراً، تعدادی از مطالعات تلاش می‌کنند تا به چگونگی و توضیح رشد صادرات در میان بخش‌های صنعتی از طریق آزادسازی تجاری بپردازند. ویس (۱۹۹۲) در مطالعه‌ای که برای مکزیک انجام داد، این فرضیه را که «آزادسازی تجاری عملکرد صادرات را بهبود می‌بخشد» مورد تأیید قرار داد. کاهش تقاضای داخلی، عامل عمده‌ای در رشد صادرات بود. رُی (۱۹۹۱)^{۳۵} به یک ارتباط مثبت و قوی میان عملکرد صادرات و نرخ ارز در بنگلادش دست یافت. ری برای بنگلادش و ویس (۱۹۹۵) برای سری لانکا نشان دادند که آزادسازی تجاری و سیاست‌های صنعتی نقش مهمی را در موقعیت صادرات (نظیر رشد و ثبات آن) ایفا می‌کنند. جنکینس (۱۹۹۶) دریافت که یک همبستگی منفی میان رشد صادرات و کاهش در *NRP* وجود دارد، همچنان که ویس (۱۹۹۲) نیز ارتباط منفی معنی داری را میان رشد صادرات و متغیرهای *NRP* و تقاضای داخلی به دست آورد.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعات موجود نشان می‌دهند که قبل و بعد از آزادسازی (اصلاح یا عدم اصلاح تجاری) آزادسازی سریع‌تر و شدیدتر، منجر به رشد صادرات و ستانده‌ی بزرگ‌تر صنایع می‌گردد. به هر حال، در مورد کسب نتایج باید دقت لازم را مبذول کرد؛ زیرا شواهد مستقیمی دال بر آن وجود ندارد که آزادسازی علت این بهبود و پیشرفت در صادرات و ستانده است. بیشتر مطالعات، فرضیاتی مربوط مانند بازبودن تجارت، اثر مثبتی بر رشد بهره‌وری کل عوامل صنایع دارد یا جانشینی واردات یک اثر منفی بر رشد بهره‌وری کل عوامل دارد و یا توسعه‌ی ستانده منجر به رشد بهره‌وری کل عوامل

³⁴ Katrack

³⁵ Roy

بالاتر می‌شود، را تأیید می‌کنند. شواهد موجود در مورد کشورهایی با کمترین میزان توسعه یافتگی (حداقل توسعه) نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری برای رشد سریع بهره‌وری کل عوامل تنها یک شرط لازم است و کافی نیست. این گونه کشورها در مورد بررسی اثر آزادسازی تجاری باید مواردی از قبیل کمبود سرمایه‌ی انسانی و زیربنای فیزیکی را مدنظر قرار دهند. مطالعه‌ی انجام شده در مورد بولیوی نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری برای رشد سریع بهره‌وری کل عوامل نه شرط لازم است و نه کافی.

بنابراین، با توجه به مطالعات موجود می‌توان دریافت که از طریق بازگشایی تجارت، درجه‌ی تمرکز کاهش خواهد یافت و این اشاره به این مطلب دارد که یک ارتباط منفی بین واردات و افزایش قیمت وجود دارد. به عبارتی دیگر، برخی از مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که با بازگشایی تجارت، توافق همگانی میان بنگاه‌های داخلی افزایش می‌یابد؛ یعنی یک همبستگی منفی میان واردات و افزایش قیمت داخلی وجود دارد.



- Amjad, R., "Profitability and Industrial Concentration in Pakistan", *The Journal of Development Studies*, Vol.13, 1977, pp. 181-98.
- Balassa, B., *The Structure of Protection in Developing Countries*, Johns Hopkins Press, Baltimor, Md, 1971.
- Beng, G.W. and Yen, T.S., "Market Structure and Price - Cost Margins in Malaysian Manufacturing Industries," *The Developing Economies*, Vol. 15, No. 3, 1977, pp. 280-91.
- De Melo, J. and Urata, S., "Market Structure and Performance: The Role of International Factors in a Trade Liberalization," *Development Research Department, Economic and Research Staff, World Bank Report*, No. DRD 71, 1984.
- Dongsuk, S., "Trade Liberalization and Productive Efficiency in Korean Manufacturing: Evidence form Firm-level Panel Data", A Dissertation Submitted to the Faculty of The Graduate School of Georgetown University for the Degree of Doctor of Philosophy, U.M.I, A Bell and Howell Information Company, Michingan, 1992.
- Foroutan, F., " Turkey, 1976- 85: Foreign Trade, Industrial Productivity, and Competition, in Mark," J. Roberts and James R. Tybout (eds.) *Industrial Evolution in Developing Countries*, Oxford University Press, Oxford, 1996.
- Golder, B. "Import Substitution, Industrial Concentration and Productivity Growth in Indian Manufacturing", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Vol. 48, 1986, pp. 144 - 164.
- Grether, Jean - Marie, "Mexico, 1985- 90: Trade Liberalisation, Market Structure, and Manufacturing Performance, in Mark," J. Roberts and James R. Tubout (esd.) *Industrial Evolution in Developing Countries*, Oxford University Press, Oxford, 1996.
- Haddad, M., de Melo, J. and Horton, B., " Morocco, 1984 - 89: Trade Liberalisation, Exports, and Industrial Performance, in Mark," J. Roberts and James R. Tybout (eds.) *Industrial Evolution in Developing Countries*, Oxford University Press, Oxford, 1996.
- Handoussa, Nishimizu, M. and Page, J.M., "Productivity Change in Egyption Public Sector Industries after the Opening: 1973 -79," *Journal of Development Economics*, Vol. 20, 1986, pp. 53 - 73.
- Harrison, A.E., "Productivity, Imperfect Competition and Trade Reform: Theory and Evidence," *Journal of International Economics*, Vol. 36, 1994, pp. 53-73.
- Iscan, T., "Trade Liberalization and Productivity: A Panel Study of the Mexican Manufacturing Industry," *The Journal of Development Studies*, Vol. 34, No. 5, 1998, pp. 123 - 148.
- Jayanthakumaran, K., " Trade Liberalization and Performance: The Impact of Trade Reform on Manufacturing Sector Performance:

-
- SriLanka 1977-89", DPPC, University of Bradford (unpublished PhD. Thesis), 1994.
- Jenkins, R., "Trade Liberalisation and Export Performance in Bolivia," *Development and Change*, Vol. 27, 1996, pp. 639-716.
- Katrack, H., "Industry Structure, Foreign Trade and Price - Cost Margins in Indian Manufacturing Industries," *The Journal of Development Studies*, Vol. 17, 1980, pp. 62-79.
- Kim, E., "Trade Liberalisation and Productivity Growth in Korean Manufacturing Industries: Price, Protection, Market Power and Scale Efficiency," *Journal of Development Economics*, Vol. 62, 2000, pp. 55-83.
- Krishna, P. and Mitra, D., "Trade Liberalisation, Market Discipline and Productivity Growth: New Evidence from India," *Journal of Development Economics*, Vol. 56, 1997, pp. 447 - 462.
- Kristiono, H., "The Effect of Indonesian Trade Liberalisation on Price - Cost Margins and Technical Efficiency," A Dissertation Submitted to the Graduate School of Syracuse University for the Degree of Doctor of Philosophy, U.M.I, A Bell and Howell Information Company, Michigan, 1992.
- Krueger, A.O. and Tuncer, B., "Growth of Factor Productivity in Turkish Manufacturing Industries," *Journal of Development Economics*, Vol. 11, 1982, pp. 307-25.
- Michaely, M., Papageorgiou, D. and Choksi, A.M., *Liberalizing Foreign Trade : Lessons of Experience in the Developing World*, Vol. 1-7, Basil Blackwell, Oxford, 1991.
- Nishimizu, M. and Robinson, S., "Trade Policies and Productivity Change in Semi-Industrialized Countries," *Journal of Development Economics*, Vol. 16 (1 and 2), 1984, pp. 177-206.
- Nishimizu, M. and Page, J.M., "Trade Policy, Market-Oriented and Productivity Change in Industry," in Jame. De. Melo and Ander Sapir (eds), *Trade Theory and Economic Reform*, Basil Blackwell, Cambridge, 1991.
- Pack, H., "Industrialization and Trade," in H.B. Chenery and T.N. Srinivasan (eds), *Handbook of Development Economics*, Vol. 1, Amsterdam, North Holland, 1988.
- Sharma, K. Oczkowski, E., "Liberalisation and Productivity Growth: The Case of Manufacturing Industry in Nepal," *Oxford Development Studies*, Vol. 28, No. 2, 2000, pp. 205-22.
- Sjoholm, F., "Exports, Imports and Productivity; Results from Indonesian Establishment Data", Working Paper Series in Economics and Finance No. 183, Stockholm School of Economics, Sweden, 1997.
- Thomas, V. and Nash, H., "Best Practices in Trade Policy Reform," Oxford University Press (A World Bank Publication), 1991.

-
- Tybout, J.R. "Chile, 1979-86: Trade Liberalisation and its Aftermath", in Mark J. Roberts and James R. Tybout (eds.), Industrial Evolution in Developing Countries, Oxford University Press, Oxford, 1996.
- Urata, S. and Yokota, K., "Trade Liberalisation and Productivity Growth in Thailand, The Developing Economies," Vol. 32, No. 4, 1994, pp. 445-59.
- Weiss, J. "Trade Liberalisation in Mexico in the 1980s: Concepts, Measures and Short – Run Effects," Review of World Economics, Band 128, Haft 4, 1992, pp. 711-725.
- Weiss, J. and Jayanthakumaran, K., "Trade Reform and Manufacturing Performance: Evidence from Srilanka 1978-89," Development Policy Review, Vol. 13, 1995, pp. 65-83.



...

The Impact of Trade Liberalization on Industry Sector Performance on Developing Countries: A Survey of the Literature

Shirin Mesrinejad (M.Sc.) and Saeed Ebrahimi (M.Sc.)*

Abstract:

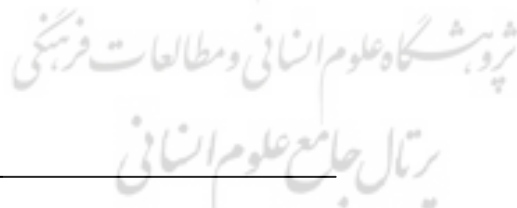
Empirical studies that have examined the relationship between trade reforms and industry performance have tended to use productivity and export growth as yardsticks of performance measures. We have examined the available literature for the purpose of drawing some conclusions and have obtained mixed results. The methodology of this paper is library research.

Current results shows that in developing countries trade liberalization is a necessary condition and not sufficient for fast growth of total factor productivity. These countries should solve shortage of human capital, physical infrastructure, etc.

Current studies also show that fast liberalization can lead to the higher export growth and output for industries.

JEL classification: *F41*

Keywords: Trade liberalization, Industries Performance, productivity



* Lecturers of economics, Sheykh Bahae University of Isfahan